

ایران و مدل‌های تحریم:

ممانعت از دسترسی به منابع

محسن شریعتی نیا*

زهرا توحیدی**

چکیده

مناسبات ایران و غرب در دوران پس از انقلاب اسلامی همواره تنش آلود بوده است. در این دوران، مجموعه غرب (امریکا و اتحادیه اروپا) از ابزارهای مختلفی برای مواجهه و مقابله با ایران بهره گرفته‌اند. بی‌شک تحریم مهم‌ترین و پرکاربردترین ابزار غرب علیه ایران در این سال‌ها بوده است. با توجه به اینکه تحریم پدیده‌ای فراگیر در مناسبات بین‌المللی است، طبیعتاً در قالب مدل‌ها و استراتژی‌های مختلفی اعمال می‌گردد. بر این مبنا سؤال کلیدی مقاله حاضر آن است که تحریم‌های اعمالی علیه ایران در قالب کدام مدل قابل تبیین‌اند و حوزه‌های تأثیرگذاری تحریم‌ها کدام‌اند؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش طراحی شده، عبارت از این است که "تحریم‌های اعمالی علیه ایران در قالب دو مدل "جلوگیری از دسترسی به منابع" و "فروپاشی سیاسی" قابل تبیین‌اند و حوزه‌های اصلی تأثیرگذاری آنها ساختارهای دولت و اقتصاد هستند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد عمده تحریم‌های اعمالی علیه ایران در جهت ممانعت از دسترسی این کشور به منابع مورد نیاز بوده و به تدریج بر ابعاد و عمق آنها افزوده شده، به گونه‌ای که بسیاری از ساختارهای دولت و در سال‌های اخیر اساساً حیات اقتصادی ایران را هدف قرار داده‌اند. بر همین مبنا نویسندگان استدلال کرده‌اند که نشانه‌هایی از به کارگیری مدل فروپاشی سیاسی نیز در قالب تحریم‌های اعمالی، بروز و ظهور یافته است.

واژگان کلیدی

ایران، تحریم، منابع، قدرت‌های بزرگ، فروپاشی

Email: m.Shariatini@gmail.com

* استادیار مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

** کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی و پژوهشگر مرکز تحقیقات استراتژیک

Email: z.tohidi@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۲/۶/۱۴

تاریخ ارسال: ۹۲/۲/۱۴

فصلنامه راهبرد/سال بیست و دوم/شماره ۶۸/ پاییز ۱۳۹۲/صص ۱۰۴-۸۵

جستار گشایی

قدرت، پول رایج سیاست بین‌الملل است (Mersheimer, 2001). این گزاره مورد اجماع اندیشمندان روابط بین‌الملل است. طبیعتاً در این حوزه مهم‌ترین هدف دولت‌ها، کسب، حفظ و بسط قدرت و مهم‌تر از آن به کارگیری ابزارهای قدرت برای تأثیرگذاری بر رفتار دیگر دولت‌هاست. ابزارهای قدرت دولت‌ها با توجه به منابع و موقعیت جغرافیایی آنان با یکدیگر متفاوت است و در این میان، قدرت‌های بزرگ از متنوع‌ترین ابزارهای قدرت برای تحت تأثیر قرار دادن رفتار سایرین برخوردارند؛ ابزارهایی که از استفاده از زور تا اقناع را در بر می‌گیرد (Barnett & Duvall, 2005). این کشورها با توجه به ویژگی‌ها و شرایط حوزه‌هایی که در پی تأثیرگذاری بر می‌آیند، ابزارهای مختلفی را به کار می‌گیرند.

ایران پس از انقلاب اسلامی، همواره به عنوان معضلی برای قدرت‌های غربی و به ویژه ایالات متحده مطرح بوده و از همین رو این قدرت‌ها از ابزارهای مختلف قدرت برای تأثیرگذاری بر رفتار این کشور بهره گرفته‌اند؛ ابزارهایی همچون تهدید به استفاده از زور که نماد آن، عبارت "همه گزینه‌ها روی میز قرار دارند" است؛ استفاده از زور، در مواردی چون حمله طبس و جنگ نفتکش‌ها، دیپلماسی،

همچون مذاکرات مک فارلین، مذاکرات هسته‌ای، تصویرسازی رسانه‌ای و سیاه‌نمایی چهره ایران بهره برده‌اند. اما مهم‌ترین ابزار این قدرت‌ها برای تأثیرگذاری بر رفتار ایران در سه دهه اخیر، تحریم بوده است (Ganji, 2006)؛ تحریمی که ابعاد آن به تدریج وسیع‌تر شده و در وضعیت کنونی، حوزه‌های وسیعی از تعاملات بین‌المللی ایران در حوزه‌های اقتصاد، سیاست و فرهنگ را در بر می‌گیرد، اما نکته تأمل برانگیز آنکه ادبیات علمی اندکی به زبان فارسی در مورد تبیین نظری تحریم‌های اعمالی علیه ایران انتشار یافته و همین امر، زمینه را برای تفاسیر نه چندان دقیق در مورد چگونگی مواجهه با تحریم‌ها فراهم آورده است.

با توجه به اهمیت روزافزون مبحث تحریم در ادبیات سیاست خارجی ایران، مقاله حاضر در پی تبیین تحریم‌های اعمالی علیه ایران در سه دهه اخیر با تأکید بر تحریم‌های اعمالی از سوی اتحادیه اروپا و آمریکا در دو سال اخیر با بهره‌گیری از مدل‌های نظری تحریم است. در این راستا، پرسش کلیدی آن است که تحریم‌های اعمالی علیه ایران در قالب کدام مدل قابل تبیین‌اند و حوزه‌های تأثیرگذاری تحریم‌ها کدام‌اند؟

فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش طراحی شده، عبارت از این است که

تحریم‌های اعمالی علیه ایران در قالب دو مدل "جلوگیری از دسترسی به منابع" و "فروپاشی سیاسی" قابل تبیین‌اند و حوزه‌های اصلی تأثیرگذاری آنها ساختارهای دولت و اقتصاد هستند.

۱. پیشینه پژوهش

در مورد تحریم‌های اعمالی علیه ایران، ادبیات اندکی در سال‌های اخیر منتشر شده، به گونه‌ای که تنها در دو مقاله‌ای علمی - پژوهشی این موضوع مورد بحث قرار گرفته است. مصطفی زهرانی و زهرا دولت‌خواه در مقاله‌ای، با مطالعه مقایسه‌ای تحریم‌های اعمال شده علیه کره شمالی و ایران، میزان تأثیرگذاری کشورهایی همچون چین و روسیه بر نوع مقابله با ایران و کره شمالی در عرصه نظام بین‌الملل را مورد ارزیابی قرار داده‌اند (زهرانی، ۱۳۸۹).

رضا سیمبر در مقاله "سیاست خارجی آمریکا و تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران"، با بررسی تحریم‌هایی که در دوره اوباما علیه ایران اعمال شده، استدلال می‌کند این تحریم‌ها در تغییر رفتار جمهوری اسلامی در سیاست خارجی موفق نبوده‌اند (سیمبر، ۱۳۸۹).

اندک بودن تعداد مقالات علمی که به بررسی تحریم‌های اعمالی علیه ایران

پرداخته‌اند، به خوبی گویای ضعیف بودن ادبیات این حوزه است. افزون بر این در هیچ یک از دو اثر فوق، استدلال‌ها در چارچوب رویکردهای نظری موجود در ادبیات بین‌المللی تحریم صورت نگرفته است. بنابراین ضرورت انجام پژوهش‌های وسیع در این حوزه به شدت احساس می‌شود. مقاله حاضر را می‌توان گامی در این راستا دانست.

۲. چارچوب مفهومی: تحریم و مدل‌های تحریم

تحریم، بنا بر یکی از تعاریف مرجع عبارت است از "مجموعه اقدامات یک یا چند دولت که با هدف وادار کردن دولت دیگر به رعایت موافقتنامه‌ها و هنجارهای بین‌المللی صورت می‌گیرد" (Macmillan Dictionary, 2013). طبیعی است این اقدامات می‌تواند از سوی هر یک از دولت‌های تحریم‌کننده صورت گیرد و به شکل تحریم‌های یکجانبه تحقق یابد یا به وسیله چند دولت و یا در قالب مصوبات و قطعنامه‌های نهادهای بین‌المللی اعمال شده و شکل چندجانبه به خود بگیرد (Baldwin, 1999).

یکی از مهم‌ترین رویکردهای نظری به پدیده تحریم، آن را در قالب نظریه‌های نفوذ، مورد بررسی قرار می‌دهد. در یک برداشت کلی، نظریه‌های نفوذ در مورد بازیگران،

مکانیسم‌های تأثیرگذاری، شرایطی که چشم‌انداز موفقیت ابزارهای تأثیرگذاری را افزایش می‌دهد و حوزه‌های اصلی که نفوذ باید بر آنها اعمال شود، مفروضات متفاوتی دارند (Drulakova, 2010). از همین رو، مدل‌های مفهومی متفاوتی در مورد تحریم شکل گرفته است؛ مدل‌هایی که هر یک از زاویه‌ای خاص و با برجسته کردن برخی حوزه‌ها به تحلیل این پدیده و نیز پیش‌بینی آثار محتمل آن بر دولت تحت تحریم می‌پردازند. به عنوان مثال، یکی از اندیشمندان، سه شیوه نفوذ و به بیان دیگر سه مدل تحریم را مفهوم‌بندی کرده است:

۳. مدل تکاملی^۳ که طبیعتاً اثرگذاری آن، فرایندی است. در این مدل، ترکیبی از چماق و هویج برای اثرگذاری بر رفتار دولت تحت تحریم به کار گرفته می‌شود تا به تدریج تغییرات مورد نظر در رفتار آن حاصل شود (Crawford, 1999, p. 26).

افزون بر رویکرد فوق، تحریم‌های بین‌المللی از رویکردهای نظری دیگری نیز مورد تبیین قرار گرفته‌اند. کرافورد و کلاتز در کتاب "تحریم‌ها چگونه عمل می‌کنند، تجربه افریقای جنوبی" با بررسی رویکردهای نظری مختلف به تحریم‌های بین‌المللی، این نظریات را در قالب چهار مدل که در نگاره زیر آمده، تلخیص کرده‌اند. در واقع می‌توان مدلی را که این دو ارائه داده‌اند، تلخیصی از نظریات مطرح در حوزه تحریم دانست. در این مدل‌ها بازیگران حوزه تحریم، مکانیسم تأثیرگذاری تحریم‌ها، شرایط موفقیت و حوزه‌های اصلی تأثیرگذاری آنها مورد تبیین قرار گرفته است.

۱. مدل انقلابی^۱ که در قالب آن تحریم‌ها، نظام سیاسی را به حدی تضعیف می‌کند که راه برای فروپاشی آن هموار می‌گردد.

۲. مدل اشکلک^۲. اشکلک بر مبنای تعریف لغت‌نامه دهخدا، "آلتی است از چوب که لای پنجه دزدان گذارند و فشاردهند تا از درد عاجز شوند و دزدی را بروز دهند" (دهخدا، ۱۳۹۲).

البته کاربرد این ابزار منحصر به دزدان نبوده و این نوع شکنجه مخالفین کلیسا در قرون وسطی در اروپا بسیار معمول بوده و نام این مدل هم از همین روش گرفته شده است. در

3. Evolutionary Model

1. Revolutionary Model

2. Thumbscrew Model

نگاره شماره (۱) - مدل‌های تأثیرگذاری و مفروضات آنها (Crawford, 1999, p. 27)

شرایط موفقیت	مکانیسم تأثیر	بازیگران	
وجود حداقلی از وابستگی متقابل اقتصادی و نظامی	افزایش هزینه‌ها یا کاهش دادن منافع	نخبگان تصمیم‌گیر عاقل‌اند (هزینه-فایده مادی مبنای تصمیم‌گیری است)	وادار کردن ^۴
نخبگان تصمیم‌گیر به طور روشن استدلال‌های هنجاری را درک می‌کنند	اقتناع	نخبگان تصمیم‌گیر به هنجارها توجه دارند	ارتباطات هنجاری ^۵
تحریم‌کنندگان در پی کاستن از منابع مادی مورد نیاز طرف مقابل هستند: حداقلی از وابستگی متقابل اقتصادی و نظامی لازم است	کاهش قابلیت‌های (حکومت) هدف با محدود کردن منابع مهم	نخبگان تصمیم‌گیر سرسخت‌اند: حکومت‌ها به قابلیت‌های مادی نیاز دارند	جولوگیری از دسترسی به منابع ^۶
نخبگان شکننده: قابلیت خارجی‌ها برای حمایت از گروه‌های مخالف نخبگان حاکم	تشدید بحران‌های مشروعیت تا منجر به تشدید اختلافات یا انقلاب شود	حکومت نیاز به حمایت مردم و نخبگان دارد	فروپاشی سیاسی ^۷

خواهند داد؛ البته برآورد نخبگان از هزینه‌ها و تهدیدات ناشی از تحریم‌ها به عواملی همچون سیاست‌های بوروکراتیک، روان‌شناسی تصمیم‌گیران کلیدی و تعبیرها و سوء تعبیرهای آنان از نیات و اعتبار تحریم‌کنندگان بستگی دارد.

به بیان دیگر، در چارچوب این مدل برای اینکه تحریم‌ها موثر واقع گردد، تحریم‌کنندگان باید قابلیت وارد آوردن آسیب به دولت هدف را داشته باشند، دولت هدف این تهدیدات را درک کند، بپذیرد و تصمیم‌گیران دولت هدف در دوران تحریم، آسیب‌های وارده را به عینه تجربه کنند. در چنین وضعیتی اگر دولت هدف در منابع نظامی و اقتصادی از خودکفایی برخوردار بوده و بالنسبه ضربه‌ناپذیر باشد، تحریم‌ها کارایی و

مدل وادار کردن، همان‌گونه که از مفروضات آن پیداست، در قالب نظریات خردگرایی روابط بین‌الملل و به ویژه نظریات واقع‌گرایانه قرار می‌گیرد و از همین رو تأکید را بر نخبگان می‌گذارد؛ به عنوان کسانی که از سوی یک ملت تصمیم می‌گیرند، خود محورند^۸ و تصمیمات را در جهت حداکثرسازی دستاوردها اتخاذ می‌کنند، در قالب این مدل، چنین گروه تصمیم‌گیری اگر احساس کنند هزینه‌های تحریم‌ها در حال پیشی گرفتن از فواید سیاست‌هایی است که پیگیری می‌کنند، آن سیاست‌ها را تغییر

4. Compliance
5. Normative Communications
6. Resource denial
7. Political fracture
8. Self-interest

اثرگذاری نخواهند داشت و به عکس
(Crawford, 1999, p. 29).

مدل ارتباطات هنجاری، ریشه در نظریات تکوین‌گرایانه روابط بین‌الملل دارد و مبتنی بر این مفروضه کلیدی است که نخبگان و مردم عادی، استدلال‌های هنجاری تحریم‌کنندگان را درک می‌کنند و می‌پذیرند. در واقع در این مدل، تحریم‌کنندگان، دولت هدف را به دلیل نقض و زیرپا گذاشتن استانداردهای جهانی و قوانین چندجانبه، تحریم و تنبیه می‌کنند. هدف غایی تحریم‌کنندگان در این چارچوب، تأثیرگذاری بر جهان‌بینی نخبگان حاکم و مردم عادی دولت هدف است. طبیعتاً شرط موفقیت تحریم‌ها، آن است که تصمیم‌گیران استدلال‌های هنجاری را درک کنند و نیز به واسطه این استدلال‌ها، اقناع شوند.

در مدل جلوگیری از دسترسی به منابع مفروض کلیدی آن است که نخبگان و مردم کشور هدف تحریم، به استراتژی‌های وادار کردن و ارتباطات هنجاری پاسخ نمی‌دهند و تحت تأثیر قرار نمی‌گیرند. در واقع در این مدل، فرض بر این است که این دسته از دولت‌ها تنها هنگامی که با کمبود منابع مواجه شوند، سیاست‌های نادرست (از منظر تحریم‌کنندگان) خود را تغییر خواهند داد. بنابراین، تحریم‌ها در

صورتی مؤثر واقع خواهند شد که منجر به کاهش یا قطع منابع لازم برای تداوم سیاست‌ها و اقدامات دولت هدف گردند.

به بیان دیگر، دولت‌های تحریم‌کننده باید ابزارهای لازم برای ممانعت از دسترسی دولت هدف به منابع لازم برای پیشبرد اهداف و سیاست‌هایش را داشته باشند. از دیگر سو، اگر دولت تحت تحریم، از خودکفایی برخوردار بوده و یا گروه تحریم‌کنندگان از انسجام پایدار برخوردار نباشند، احتمال موفقیت تحریم‌ها اندک خواهد بود.

مدل فروپاشی سیاسی نیز تأکید را بر ممانعت از دسترسی منابع مورد نیاز دولت تحت تحریم قرار می‌دهد، اما بر هدف قرار دادن منابع و ظرفیت‌های کلان سیاسی و اجتماعی دولت هدف - مشروعیت و جامعه مدنی - بیش از منابع مادی تأکید دارد. این مدل، دولت را نه به عنوان بازیگر واحد، بلکه به عنوان مجموعه‌ای از بازیگران و نهادها در نظر می‌گیرد و استدلال می‌کند که برهم زدن موازنه کلان قدرت سیاسی در درون دولت، هدف از تغییر نگرش گروه اندک نخبگان حاکم، اهمیت بسیار بیشتری دارد. در قالب این مدل، تحریم‌ها می‌توانند شرایط را برای شورش یا انقلاب علیه نخبگان حاکم فراهم آورند، زیرا اقتدار و توانایی دولت هدف تا حد

حاکم تا ساختارهای دولت، اقتصاد و جامعه مدنی را دربرگیرد و حتی سرریزهای منطقه‌ای و جهانی داشته باشد. در هر یک از این حوزه‌ها، تأثیرات تحریم‌ها را می‌توان به تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و تأثیرات ناخواسته تقسیم کرد. نگاره زیر حوزه‌های تأثیرگذاری تحریم‌ها را با توجه به مدل‌های فوق نشان می‌دهد.

زیادی وابسته به تداوم حمایت‌های مردمی از آن است.

به بیان دیگر، تحریم‌ها با ایجاد دشواری‌های روزافزون در زندگی روزمره مردم، باعث شکل‌گیری و تعمیق تدریجی بحران مشروعیت در حکومت تحت تحریم خواهند شد؛ بحرانی که می‌تواند به آشفته‌گی سیاسی و حتی انقلاب منجر گردد. در این مدل، احتمالاً دولتی که پس از انقلاب بر سر کار می‌آید، تمایل بیشتری به تغییر سیاست‌ها برای رهایی از فشار تحریم‌ها خواهد داشت. البته برخی این رویکرد را به ساده‌اندیشی در مورد اثرات تحریم‌ها متهم می‌کنند و معتقدند تحریم‌ها ممکن است تنها در کشورهایی که به شدت ضعیف، وابسته و آسیب‌پذیر باشند، به انقلاب منجر شوند و نه در قبال سایر دولت‌ها (Crawford, 1999, pp. 30-39)

موضوع دیگری که در رویکردهای نظری به تحریم مورد بررسی و واکاوی بسیار واقع شده، حوزه‌های تأثیرگذاری تحریم‌هاست. طبیعتاً حوزه‌های تأثیرگذاری تحریم‌ها نسبت مستقیمی با ابعاد تحریم‌های اعمالی دارد. به بیان دیگر، هر چه ابعاد تحریم‌ها بیشتر باشد، حوزه‌های تأثیرگذاری آنها نیز گسترده‌تر خواهد بود. این حوزه‌ها می‌تواند از نخبگان

نگاره شماره (۲) - حوزه‌های تأثیرگذاری بالقوه تحریم (Crawford, 1999, p. 31)

پیامدهای بالقوه			
تأثیرات مستقیم	تأثیرات غیرمستقیم	تأثیرات ناخواسته و معکوس	حوزه تأثیرات بالقوه
نخبگان برآوردهای خود از هزینه‌ها و فواید سیاست‌ها و یا باورهای هنجاری خویش را تغییر می‌دهند	قدرت نسبی چانه‌زنی نخبگان درون و بیرون حکومت تغییر می‌کند	نخبگان تصمیم‌گیر (آنها علیه ما) می‌بینند یا تلاش می‌کنند از آن در جهت مشروعیت بخشی به خود استفاده کنند؛ دسترسی به ایده‌های بدیل محدود می‌شود	نخبگان تصمیم‌گیر
تهدید به عدم دسترسی به منابع یا عدم دسترسی به منابع به سرعت یا در درازمدت بنیان‌های قدرت نظامی را تضعیف می‌کند یا هزینه‌ها را افزایش می‌دهد	بسیج منابع انسانی و مادی	دولت تحت تحریم، ائتلاف‌های جدیدی را با سایر دولت‌های قانون شکن تشکیل می‌دهد یا به مقابله با تحریم‌ها بر می‌خیزد	ساختارهای دولت
رخ نمودن تهدید آسیب اقتصادی یا وارد آمدن آسیب واقعی به اقتصاد	تضعیف اعتماد تجار و فعالان اقتصادی، سازگاری با شرایط جدید با هزینه - فرصت سنگین؛ رشد در برخی بخش‌هایی که استراتژی جایگزینی واردات در آنها اعمال شده است	جایگزینی واردات میزان استقلال را افزایش می‌دهد و برخی بخش‌ها از تحریم منتفع می‌شوند	اقتصاد
استانداردهای هنجاری جهانی ارتباطی و تعاملی‌اند؛ هویت‌ها شکل می‌گیرند و بازسازی می‌شوند؛ مردم به سوی طغیان حرکت می‌کنند	مشروعیت برخی بازیگران سیاسی افزایش می‌یابد و مشروعیت برخی دیگر رو به زوال می‌رود؛ تغییر در قدرت اقتصادی، ساختارهای فرصت‌ساز سیاسی برای مخالفین ایجاد می‌کند	حمایت از حفظ وضع موجود در داخل تقویت می‌شود؛ دسترسی به ایده‌های بدیل محدود می‌گردد؛ اغلب مردم صدمه می‌بینند و همین امر، توان آنان برای مقابله با حکومتشان را تضعیف می‌کند	جامعه مدنی
هزینه‌های اجرای تحریم‌ها و نظارت بر آنها؛ تغییر تصورات دولت‌هایی که نظاره‌گر تحریم‌ها هستند؛ آگاهی جهانی نسبت به دولت هدف تحریم‌ها افزایش می‌یابد؛ تحریک به اعمال تحریم‌های بیشتر	مفاهیم منافع و هویت مورد تجدید نظر قرار می‌گیرند؛ ترتیبات همکاری‌جویانه و تجاری توسعه می‌یابد؛ قاچاق ثروت و قدرت سیاسی بازارهای سیاه را افزایش می‌دهد؛ جایگزینی واردات به نفع برخی صنایع است	دولت‌های همسایه و مردمانشان آسیب می‌بینند؛ ائتلاف‌ها و نهادهای چندجانبه بر سر افزایش تحریم‌ها دچار شکاف می‌شوند.	سرریزهای منطقه‌ای و جهانی

۳- ایران و مدل‌های تحریم

به طور کلی، نظریه دو کارویژه اساسی دارد: توضیح‌دهندگی واقعیات و پدیده‌ها و نیز پیش‌بینی تحولات آتی. طبیعی است که کارویژه اصلی نظریه تبیین و توضیح واقعیات است و در صورتی که بتواند پیش‌بینی نماید، واجد مزیت بیشتری خواهد شد. نکته مهم آنکه پیش‌بینی، کار ویژه اصلی نظریه نیست (Waltz, 1996).

بر همین مبنا، موضوع اصلی مورد بحث آن است که کدام یک از مدل‌های نظری فوق از قابلیت توضیح‌دهندگی بیشتری در مورد تحریم‌های اعمالی بر ایران به ویژه در دو ساله اخیر برخوردارند؟ برای پاسخ‌گویی به این پرسش، باید هر یک از این مدل‌ها را با توجه به داده‌های مربوط به تحریم‌های ایران مورد بررسی و آزمون قرار داد:

الف) مدل وادار کردن

همان‌گونه که نگاره شماره (۱) به روشنی نشان می‌دهد، در چارچوب مفروضات اساسی مدل وادار کردن، اول اینکه نخبگان تصمیم‌گیر، به معنایی که در نظریه‌گزینش عقلانی و به طور کلی پارادایم خردگرایی به کار گرفته می‌شود، عاقل‌اند؛ بدان معنا که هزینه - فایده مادی صرف را مبنای تصمیم‌گیری خود قرار می‌دهند. دوم،

مکانیسم تأثیر تحریم‌ها کاهش منابع یا افزایش هزینه‌هاست و سوم، شرط موفقیت، وجود حداقلی از وابستگی متقابل اقتصادی و نظامی است. اگر این شروط را در مورد تحریم‌های ایران مورد بررسی قرار دهیم، قابلیت اندک این مدل در توضیح‌دهندگی را درخواست می‌یافت.

نخبگان حاکم بر ایران پس از انقلاب، همواره به عقلانیت مادی و مبتنی بر هزینه- فایده موجود در غرب نقد داشته و آن را نفی کرده‌اند؛^(۱) به گونه‌ای که در متون نظری که در مورد سیاست خارجی ایران نوشته شده کمتر صاحب‌نظری است که نخبگان تصمیم‌گیر در ایران را نخبگانی نتیجه‌گرا- کسانی که تنها به کسب نتایج مادی می‌اندیشند- تعریف کند. به عنوان مثال روح‌الله رضوانی از پژوهشگران برجسته سیاست خارجی ایران معتقد است که "درک سیاست خارجی ایران ... بیش از هر چیزی مستلزم تحلیلی عمیق از بافت عمیق فرهنگی و روان‌شناختی رفتار سیاست خارجی ایران است." (رضوانی، ۱۳۸۸، ص ۱۴). به بیان دیگر او بر عناصر فرهنگی و روان‌شناختی که در نظریات واقع‌گرایی اهمیت تحلیلی چندانی ندارند، پافشاری می‌کند. نمونه‌ای دیگر دهقانی فیروزآبادی از پژوهندگان نامدار

سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز در آثار خود همواره بر کاستی‌های پارادایم واقع‌گرایی در بررسی این حوزه تأکید می‌گذارد و رویکردهای نظری دیگر به ویژه رویکرد تحلیلی گفتمان را دارای قـدـرت توضیح‌دهندگی بیشتری می‌داند.^(۲)

به بیان دیگر، منطق اقدام سیاست خارجی ایران در سه دهه اخیر، از زاویه منطق هزینه-فایده مادی قابل توجیه نیست. از همین روست که اجماعی نسبی میان پژوهندگان سیاست خارجی ایران مبنی بر عدم قابلیت توضیح‌دهندگی سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر اساس نظریه واقع‌گرایی شکل گرفته است. به همین دلیل، مفروض نخست این مدل در مورد نخبگان حاکم بر ایران و شیوه تصمیم‌گیری آنها دچار چالش است.

از دیگر سو، مکانیسم تأثیر این مدل نیز در توضیح واکنش ایران نسبت به تحریم‌ها دچار دشواری است. تحریم‌های اعمالی علیه ایران، سابقه‌ای سه دهه‌ای دارند و در این دوران طولانی، منافع مادی عظیمی در پی این تحریم‌ها از دست رفته، اما از آنجایی که مکانیسم تصمیم‌سازی نخبگان ایران، مکانیسم منافع مادی نیست، طبیعتاً نتوانسته

بر رفتار ایران در صحنه بین‌المللی تأثیرات چندانی برجای بگذارد.

با وجود این، مهم‌ترین دشواری این مدل در توضیح تحریم‌های بارشده بر ایران و واکنش ایران بر این تحریم‌ها، در شرط سوم نهفته است که در آن، وجود حداقلی از وابستگی متقابل اقتصادی و نظامی ضروری است. طبیعتاً در ابتدای دوران پس از انقلاب اسلامی ایران، وابستگی اقتصادی و نظامی ایران به غرب بسیار گسترده بود، اما حتی در آن دوران هم تحریم‌ها باعث تغییر رفتار نخبگان ایران نشد. افزون بر این، قطع روابط از سوی آمریکا، تحریم تسلیحاتی و به تدریج تحریم صنایع نفت ایران، باعث کاهش روزافزون این وابستگی شد؛ به گونه‌ای که در حال حاضر، هیچ‌گونه رابطه معنادار اقتصادی و نظامی میان ایران و ایالات متحده وجود ندارد و تنها رشته‌های مهم وابستگی ایران و غرب از یکسو صادرات نفت ایران به اتحادیه اروپا بود که در پی تحریم‌های اخیر گسسته شد و از سوی دیگر واردات ایران از اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر در پیامد تحریم‌ها به شدت افت کرده و این اتحادیه جایگاه خود به عنوان شریک نخست تجاری ایران را از دست داده است. نکته مهم آنکه گسستگی این رشته‌ها نیز تاکنون باعث نشده است که

نخبگان تصمیم‌گیر در ایران در سیاست‌های خود تجدید نظر کنند. بنابراین مدل وادار کردن، از توانایی برای توضیح تحریم‌های اعمالی بر ایران و فراز و فرود این تحریم‌ها برخوردار نیست.

(ب) مدل ارتباطات هنجاری

مدل ارتباطات هنجاری، بی‌شک دارای کمترین قابلیت توضیح‌دهندگی در توضیح تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران است، زیرا در این مدل، مفروض نخست آن است که نخبگان تصمیم‌ساز به هنجارها توجه دارند و دیگر اینکه مکانیسم تأثیر تحریم‌ها، اقناع است. این در حالی است که روابط ایران و قدرت‌های غربی در سه دهه اخیر، به شدت تخصص‌آمیز بوده و هیچگاه هنجارها نقش قابل ملاحظه‌ای در شکل‌دهی به مناسبات دو طرف نداشته است؛ به بیان دیگر، اساساً انقلاب اسلامی ایران پس از پیروزی، جهت‌گیری به شدت ضد غربی و بر ضد هنجارهایی که غرب و شرق (تا پایان جنگ سرد) در جامعه بین‌المللی بنیادگذار آن بوده‌اند، یافت. شعار "نه غربی نه شرقی" آشکارترین نماد نفی هنجارهای جامعه بین‌المللی از سوی ایران است.

در طول این سه دهه تصمیم‌سازان ایرانی در رسانه‌ها و سخنان مقامات غربی

همواره به عنوان حامیان تروریسم، افراط‌گرایان، عضوی از محور شرارت، ناقضان حقوق بشر و القابی از این قبیل مورد خطاب قرار داده‌اند. به ویژه در سال‌های اخیر، مقامات غربی همواره با اصطلاح جامعه جهانی، ایران را خطاب قرار می‌دهند و استدلال می‌کنند که ایران قواعد جامعه جهانی را زیر پا گذاشته و باید به عنوان عضوی از جامعه جهانی، به این قواعد پایبند باشد. ناگفته پیداست که مفهوم جامعه جهانی در روابط بین‌الملل، مفهومی است که از ابعاد قوی هنجاری برخوردار است. از دیگر سو، تصمیم‌گیران و نخبگان ایران، همواره منکر وجود واقعیتی به نام جامعه جهانی، آن‌گونه که غرب از آن سخن می‌گوید، بوده‌اند و سخنانی از این دست را مدعیات چند قدرت غربی به منظور بسط نفوذ و تسلط بر سایر کشورها ارزیابی کرده‌اند. به عنوان مثال آیت‌الله خامنه‌ای در یکی از سخنرانی‌های اخیرشان مدعای جامعه جهانی را چنین به نقد کشیده‌اند: "امریکایی‌ها وقتی حرف می‌زنند، می‌گویند "جامعه جهانی"، اسم چند تا کشور را گذاشته‌اند «جامعه جهانی» که در رأس آنها امریکاست، دنبال سرش هم صهیونیست‌ها و دولت انگلیس و بعضی از

دولت‌های خرده‌ریز دیگر است" (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲).

بنابراین اساساً در دوران پس از انقلاب ایران، ارتباط هنجاری میان ایران و غرب شکل نگرفته و به همین دلیل، به هیچ روی بحث اقتناع در روابط ایران و غرب مطرح نبوده است؛ به بیان دیگر، هیچگاه قدرت‌های غربی سرمایه‌گذاری بر این امر که می‌توانند تصمیم‌گیران ایران را اقناع کنند، صورت نداده‌اند، زیرا آنها احتمالاً ناامید بوده‌اند. از همین روست که ترجیح‌بند سیاست‌های آنان در قبال ایران همواره "چماق و هویج" بوده است.

از دیگر سو، نگاه ایران نیز همواره به هنجارها و نهادهای جامعه بین‌المللی همراه با تردید و نفی بوده است؛ تردیدهایی که در قالب نقد شورای امنیت و آژانس انرژی اتمی گاه‌به‌گاه بروز یافته است. به عنوان مثال، آیت‌الله خامنه‌ای در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد در تهران، نقش شورای امنیت را چنین به نقد کشیده‌اند: "شورای امنیت سازمان ملل دارای ساختار و سازوکاری غیرمنطقی، ناعادلانه و کاملاً غیر دموکراتیک است؛ این یک دیکتاتوری آشکار و یک وضعیت کهنه و منسوخ و تاریخ مصرف گذشته است. با سوء استفاده از همین

سازوکار غلط است که امریکا و همدستانش توانسته‌اند زورگویی‌های خود را در لباس مفاهیم شریف بر دنیا تحمیل کنند" (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱). احتمالاً مقصود از مفاهیم شریف، هنجارهایی است که از سوی غرب به عنوان هنجارهای جامعه جهانی مورد تأکید قرار دارد.

پ) مدل ممانعت از دسترسی به منابع

همان گونه که در بخش چارچوب مفهومی اشاره شد، هنگامی که کشور تحت تحریم به مدل‌های وادار کردن و ارتباطات هنجاری پاسخ مثبت ندهد، مدل‌های دیگر علیه آن به کار گرفته می‌شوند. روند تحریم ایران از همان ابتدا، به جز یک دوران کوتاه هشدار به ایران به دلیل تسخیر سفارت امریکا و مذاکره بر سر آزادسازی گروگان‌های امریکایی، و از زمانی که دولت کارتر دارایی‌های ایران در امریکا را بلوکه کرد، در واقع در مسیر جلوگیری از دسترسی به منابع بوده است. بنابراین می‌توان گفت که جلوگیری از دسترسی به منابع، یکی از مدل‌هایی است که برخلاف دو مدل فوق از بیشترین قابلیت توضیح‌دهندگی در تبیین نظری تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران برخوردار است.

از همین روست که قدرت‌های غربی از همان آغاز، ممانعت از دسترسی به منابع را به عنوان استراتژی اصلی تحریم ایران برگزیده‌اند تا از این طریق و محدودسازی منابع مهم مورد نیاز دولت ایران، قابلیت‌های آن را کاهش دهند. با نگاه به روند تحریم‌های اعمالی علیه ایران در سه دهه اخیر، این استراتژی به خوبی توضیح‌دهنده خواهد بود.

نگاره شماره (۳) - روندهای اعمال شده

علیه ایران (Katzman, 2013)

روند تحریم‌های اعمال شده علیه ایران

۱۹۸۴- ممنوعیت فروش اسلحه به ایران با دستور ریگان رییس جمهور وقت

۱۹۹۵- ممنوعیت سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران به دستور بیل کلینتون رییس جمهور وقت

۱۹۹۵- ممنوعیت رابطه تجاری امریکا با ایران و ممنوعیت هرگونه سرمایه‌گذاری در این کشور از سوی بیل کلینتون

۱۹۹۶- تصویب قانون تحریم ایران و لیبی در کنگره امریکا که براساس آن هر شرکت خارجی که بیش از ۲۰ میلیون دلار در صنعت نفت ایران سرمایه‌گذاری کند، مورد تحریم قرار خواهد گرفت.

۲۰۰۶- امضای قانون حمایت از آزادی که بر مبنای آن کشورهایی که به برنامه هسته‌ای ایران کمک کنند، مورد تحریم قرار می‌گیرند

۲۰۰۶- صدور قطعنامه ۱۷۳۷، ممنوعیت صادرات کالا و فناوری مورد استفاده در صنعت هسته‌ای به ایران و مسدود کردن سرمایه‌های مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران

۲۰۰۷- قطعنامه ۱۷۴۷، ممنوعیت صدور تسلیحات سنگین به ایران یا واردات تسلیحات از ایران، ممنوعیت ارائه وام‌های جدید به ایران، تحریم طیفی از شرکت‌ها و مقامات ایرانی

۲۰۰۷- قطعنامه ۱۸۰۳- توسعه فهرست افراد و شرکت‌های تحت تحریم- لزوم نظارت تمامی

مفروض نخست این مدل، آن است که تصمیم‌گیران کشورهای تحت تحریم سرسخت هستند. در ادبیات مطبوعات و مقامات غربی در مورد سیاست‌گذاران ایران با عناوینی همچون رادیکال‌ها، تندورها، بنیادگرایان، دولت یاغی، محور شرارت، ناقضان قواعد جامعه بین‌المللی و... یاد می‌شود که جملگی به نوعی بازتاب‌دهنده مفهوم سرسختی است. افزون بر این، واقعیت تداوم خصومت ایران با غرب در سه دهه گذشته نشان می‌دهد که نخبگان تصمیم‌ساز در ایران از تداوم تعارض و برخورد با غرب باکی نداشته‌اند. از منظر قدرت‌های غربی رفتار ایران در بحران گروگان‌گیری، جنگ هشت ساله و اخیراً در قبال برنامه هسته‌ای ایران همواره سرسختانه بوده است. به عنوان مثال، کاترین اشتون همواره پیش از آغاز دوره‌های مذاکراتی خواستار انعطاف در مواضع ایران می‌شود. به بیان دیگر او به عنوان نماینده قدرت‌های بزرگ، مواضع تصمیم‌گیران ایران را سرسختانه می‌داند و از لزوم تغییر سخن می‌گوید. همین گونه ادبیات در طول جنگ ایران و عراق و به ویژه در مورد پذیرش قطعنامه‌ها نیز از سوی مقامات وقت قدرت‌های غربی بیان می‌شده است (Agency France Press, 2013).

کشورها بر مبادلات مالی با ایران، به ویژه از طریق بانک‌های ملی و صادرات، بازرسی هواپیماها و کشتی

۲۰۰۷- توسعه تحریم‌ها از سوی ایالات متحده- تسری تحریم‌ها به شرکت‌های مالی سپاه و سه بانک ملی، صادرات و ملت

۲۰۰۸- تحریم مالی اتحادیه اروپا- توقف فعالیت و توقیف دارایی‌های بانک ملی ایران در کشورهای عضو اتحادیه اروپا

۲۰۱۰- قطعنامه ۱۹۲۹- توسعه فهرست افراد و شرکت‌های تحت تحریم، تأکید بر بازرسی کشتی‌های حامل کالا از طرف ایران یا به سوی ایران، ممنوعیت استفاده از نظام مالی بین‌المللی برای توسعه برنامه هسته‌ای، تشدید تحریم‌های نظامی

۲۰۱۰- اتحادیه اروپا - ممنوعیت سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت‌های ایرانی فعال در صنعت نفت و گاز، ممنوعیت صادرات و واردات تسلیحات و تجهیزات مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای به ایران، ممنوعیت فروش، عرضه و انتقال فناوری‌ها و دستگاه‌های دارای کاربرد در صنعت استخراج گاز

۲۰۱۱- تحریم‌های دوجانبه آمریکا، کانادا و بریتانیا- گسترش تحریم‌های آمریکا به شرکت‌هایی که در صنعت نفت و پتروشیمی به ایران کمک می‌کنند، بریتانیا تمامی مؤسسات مالی این کشور را از انجام هرگونه تعامل تجاری و مالی با ایران منع کرد.

۲۰۱۱- قرار دادن بانک صنعت و معدن در فهرست تحریم‌ها از سوی آمریکا

۲۰۱۲- تحریم بانک مرکزی ایران از سوی آمریکا
۲۰۱۲- ایالات متحده بانک‌ها را در نقاط مختلف جهان از انتقال پول نفت به ایران بر حذر داشت و تنها هفت کشور را به شرط کاهش خرید نفت از ایران از این تحریم‌ها معاف کرد.

۲۰۱۲- اتحادیه اروپا واردات نفت از ایران را ممنوع کرد و تحریم‌های شدیدتری را بر بخش‌های بانکی، انرژی و تجارت ایران اعمال کرد. در این قالب هرگونه تعامل با بانک‌ها و مؤسسات مالی ایران ممنوع شد و صنعت گاز ایران نیز تحریم شد.

طبق نگاره فوق نخستین گام‌های جدی تحریم تسلیحاتی علیه ایران در حال جنگ

اعمال شد و این کشور را از دسترسی به منابع تسلیحاتی غرب که در آن هنگام، مهم‌ترین منابع تسلیحاتی در جهان بوده و هنوز هم هستند و نیروهای نظامی ایران به آن وابسته بودند، محروم کرد. این بعد از تحریم نیز در طول دهه‌های اخیر همواره تداوم یافته است.

به تدریج و به خصوص از پایان جنگ

سرد به این سو، ممانعت از دسترسی به منابع

مورد نیاز ایران ابعاد گسترده‌تر و مهم‌تری به

خود گرفت. تحریم‌هایی که در صنعت نفت

ایران اعمال شد و نیز ممنوعیت هرگونه رابطه

تجاری آمریکا با ایران از مهم‌ترین این

اقدامات هستند. در این دوره گرچه تحریم‌ها،

محدودیت‌هایی بر صنعت نفت ایران ایجاد

کرد، اما حیات اقتصادی این کشور را به طور

جدی تحت تأثیر قرار نداد. از سال ۲۰۰۶،

دوره‌ای جدید در تحریم‌های ایران و ممانعت

در دسترسی به منابع آغاز شد. هدف مرحله

جدید تحریم‌ها را می‌توان گسترده‌تر از اهداف

مراحل پیشین دانست. این مرحله با

قطعنامه‌های اخیر شورای امنیت که

تحریم‌هایی را بر ضد برنامه هسته‌ای، محدود

کردن دسترسی ایران به بازار صنایع هسته‌ای

و محدودیت نقل و انتقال کالا به ایران وضع

کردند و در نگاره شماره (۳) به آنها اشاره

شده، آغاز شد و به سرعت دامنه و عمق استراتژی ممانعت از دسترسی به منابع گسترش یافت.

مرحله بعد، اعمال تحریم‌های بانکی و تجاری علیه ایران و تحریم برخی از مقامات تصمیم‌گیر در رده‌های بالا و میانی نظام تصمیم‌گیری بوده است. نقطه اوج این مرحله، تحریم بانک مرکزی ایران از سوی ایالات متحده در سال ۲۰۱۲ بود؛ امری که

ت) مدل فروپاشی سیاسی

اما به تدریج و با تداوم رفتار سیاست خارجی ایران علی‌رغم ممانعت از دسترسی این کشور به بخش مهمی از منابع مورد نیاز، نشانه‌های اولیه‌ای از به کارگیری مدل فروپاشی سیاسی نیز بروز و ظهور یافته است. البته در سخنان مقامات رسمی غربی و به ویژه ایالات متحده همواره تأکید شده که آنها در پی تغییر رژیم در ایران نیستند و تغییر رفتار سیاسی حکومت را دنبال می‌کنند. باراک اوباما نیز اذعان کرده است که "ما سخت‌ترین تحریم‌های تاریخ را علیه ایران اعمال کرده‌ایم" (گروه بین‌المللی بحران، ۲۰۱۲، ص ۱). طبیعی است که اعمال سخت‌ترین تحریم‌های تاریخ می‌تواند عواقبی مانند برهم خوردن موازنه کلان سیاسی و آشفتگی اقتصادی به همراه داشته باشد.

تاکنون تنها در مورد سودان و لیبی به اجرا درآمده است و نشان از به کارگیری تمام اهرم‌ها از سوی ایالات متحده برای ممانعت از دسترسی ایران به منابع مالی مورد نیاز دارد. حوزه تأثیرگذاری تحریم‌ها نیز در این مدل همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، ساختارهای نهادی دولت و اقتصاد کشور هدف است. در تحریم‌های اعمالی ایالات متحده و سایر کشورهای غربی علیه ایران، ساختارهای نهادی دولت، همچون صنعت هسته‌ای، صنعت نفت، صنعت کشتیرانی مورد هدف قرار گرفته و در فاز جدید تحریم‌ها، مبادلات اقتصادی و اساساً اقتصاد ایران، هدف اصلی تحریم‌های اعمالی محسوب می‌شود، به گونه‌ای که برخی سخن از اجرای عملی برنامه‌ای مشابه برنامه نفت در برابر غذا که علیه عراق به کار گرفته شد، به میان آورده‌اند

افزون بر این در مراکز فکری غربی که کمتر از زبان دیپلماتیک بهره می‌جویند نیز این دیدگاه وجود دارد که هدف نهایی تحریم‌ها، تسهیل روند موسوم به تغییر رژیم^{۱۰} یا همان فروپاشی سیاسی در ایران است. (Pollack, 2009). به بیان دیگر موضوع تغییر رژیم یا تغییر رفتار همواره یکی از مناظرات مطرح در محافل فکری و تصمیم‌ساز در غرب بوده و هر گزینه‌ای نیز طرفداران خاص خود را داشته است (Hass, 2005).

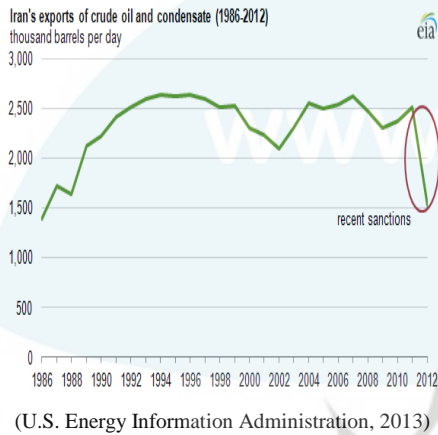
در درون ایران نیز در سطوح بالای نظام سیاسی این دیدگاه مطرح شده است. به عنوان مثال آیت‌الله خامنه‌ای در سخنرانی در جمع اعضای مجلس خبرگان در اسفند ۱۳۹۱ تأکید کردند که "بهانه تحریم‌ها به ظاهر موضوع هسته‌ای است، اما علت اصلی آن یک هدف بلندمدتی است که غربی‌ها به دنبال آن هستند... رودررو قرار دادن مردم در مقابل نظام اسلامی هدف اصلی تحریم‌هاست." (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱).

مفروض نخست این مدل آن است که حکومت نیازمند حمایت مردم و نخبگان است و این مفروض در مورد ایران، مصداق عینی دارد؛ بدان دلیل که اساساً بخش مهمی از

منابع سیاسی-اجتماعی جمهوری اسلامی، منابع منبعث از حمایت مردمی از این نظام است و نماد آن، انتخاباتی است که در سه دهه گذشته و به ویژه از سال ۱۳۷۶ به این سو برگزار شده و به گونه‌ای نماد رویکرد مردم و نخبگان به نظام سیاسی محسوب می‌شده و بدان واسطه، نظام سیاسی، مشروعیت خود را باز تولید می‌کرده است.

مکانیسم تأثیر تحریم‌ها در این مدل نیز همان‌گونه که اشاره شد، تغییر موازنه کلان قدرت سیاسی-اجتماعی از طریق تشدید بحران‌های مشروعیت در نظام سیاسی است تا منجر به تشدید اختلافات در نهایت تغییر نظام حاکم شود. این بحث نیز به ویژه در تحریم‌هایی که در دو سال اخیر علیه ایران اعمال شده، در ادبیات تحلیلی و فکری غربی به چشم می‌خورد؛ به گونه‌ای که با فشار خردکننده بر اقتصاد ایران، بدنه مردمی حامی نظام سیاسی به تدریج ناراضی شده و علیه نظام سیاسی طغیان نماید. رهبران و تصمیم‌گیران ایران نیز بارها در سخنان خود، غرب را متهم کرده‌اند که هدف نهایی تحریم‌ها نه متوقف ساختن برنامه هسته‌ای، بلکه تغییر نظام سیاسی است. البته همان‌گونه که گفته شد، هنوز نشانه‌های رسمی زیادی در مورد به کارگیری این مدل

نمودار شماره (۱) - صادرات نفت ایران
۲۰۱۲-۱۹۸۶ (هزار بشکه در روز)



افزون بر این، میزان تولید صنعت خودرو به عنوان بزرگ‌ترین صنعت غیرنفتی کشور نیز تا زمان نگارش این مطلب ۴۵ درصد کاهش یافته است (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۱). طبیعتاً تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم تحریم، یکی از عوامل اصلی تشدید رکود تورمی در اقتصاد کشور بوده است؛ به گونه‌ای که در وضعیت کنونی ایران از لحاظ نرخ تورم جایگاه سوم را در جهان دارد (Trading Economics, 2013)

فرجام

روابط ایران و غرب در دوران پس از انقلاب اسلامی، در طیفی از صلح سرد تا تنش و تخاصم قرار داشته است. در این چارچوب، عمده تلاش طرفین، معطوف به ضربه زدن به اهداف و منافع یکدیگر بوده

از سوی غرب علیه ایران وجود ندارد یا حداقل در سخنان رسمی مقامات این کشورها هدف از تشدید تحریم‌ها بازگرداندن ایران به ریل مذاکره و در نهایت حل و فصل مسالمت‌آمیز بحران هسته‌ای ذکر می‌شود.

در وضعیت کنونی، مهم‌ترین نشانه‌های به کارگیری مدل فروپاشی از سوی قدرت‌های غربی، تحریم بانک مرکزی، متوقف کردن مبادلات مالی ایران با سایر کشورها و فشار بر سایرین در جهت قطع و کاهش واردات نفت از ایران است. در این میان تحریم بانک مرکزی نشانه‌ای پراهمیت‌تر است، زیرا اقدامی است که تنها در مورد سودان و لیبی که یکی تجزیه شد و دیگری مورد حمله نظامی قرار گرفت، به کار گرفته شد. به دیگر سخن یکی از پیام‌های تحریم بانک مرکزی یک کشور، سوق دادن آن به سوی آشفستگی و هرج و مرج اقتصادی و در نهایت برهم زدن نظم سیاسی- اجتماعی است. شاهد مدعا آنکه در فاصله کوتاهی پس از اعمال تحریم‌های مالی و نفتی، ارزش پول ملی در برابر ارزهای خارجی به عنوان نماد وضعیت اقتصادی کشور دو سوم کاهش یافت (نهاداندیان، ۱۳۹۲) و همچنین صادرات نفت به کمترین میزان از سال ۱۳۶۵ رسیده است. نمودار زیر این روند را نشان می‌دهد:

است. در این راستا، تحریم، پرکاربردترین ابزار غرب در مسیر تقابل و مدیریت رقابت استراتژیک با ایران بوده است. از این رو، بخش مهمی از سیاست‌های غرب در قبال ایران در قالب مدل‌های تحریم قابل توضیح است با عنایت به مطالب مطرح‌شده در مقاله، می‌توان مدعی شد که از میان چهار مدل تحریم، (وادار کردن، ارتباطات هنجاری، منع دسترسی به منابع و فروپاشی سیاسی)، مدل منع دسترسی به منابع، دارای بیشترین قابلیت‌ها در توضیح تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران بوده است.

در قالب این مدل، مجموعه غرب تلاش کرده است تا با کاهش منابع در دسترس دولت ایران، توان و ظرفیت‌های آن را کاهش دهد. این هدف، در قالب سه مرحله تحریم که شدیدترین و گسترده‌ترین آنها از سال ۲۰۱۰ به این سو اعمال شده‌اند، پیگیری شده و ساختارهای دولت و در نهایت کل اقتصاد ایران را هدف گرفته است.

از آنجا که مجموعه غرب در اقتصاد جهانی از قدرت ساختاری برخوردار بوده، کنترل نظام مالی جهانی را در اختیار خود داشته است و با توسل به این ابزارها بر رفتار طیف وسیعی از کشورها در قبال ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تنها گزینه پیش

روی ایران، شکل‌دهی به نوعی مصالحه استراتژیک^۸ با مجموعه غرب است. به بیان دیگر، ابزارهای سنتی قدرت ایران، همچون جنبش‌های اسلامی در منطقه و بهبود توان نظامی، کارآیی چندانی در مواجهه با پدیده تحریم ندارند.

پانوشته‌ها

۱. به عنوان نمونه آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند "آنچه که موجب می‌شود ما الگوی غربی را برای پیشرفت جامعه خودمان ناکافی بدانیم، در درجه اول این است که نگاه جامعه غربی و فلسفه‌های غربی به انسان - البته فلسفه‌های غربی مختلف‌اند؛ اما برآیند همه آنها این است - با نگاه اسلام به انسان، به کلی متفاوت است؛ یک تفاوت بنیانی و ریشه‌ای دارد. لذا پیشرفت که برای انسان و به وسیله انسان است، در منطق فلسفه غرب معنای دیگری پیدا می‌کند، تا در منطق اسلام. پیشرفت از نظر غرب، پیشرفت مادی است؛ محور، سود مادی است؛ هرچه سود مادی بیشتر شد، پیشرفت بیشتر شده است؛ افزایش ثروت و قدرت. این، معنای پیشرفتی است که غرب به دنبال اوست؛ منطق غربی و مدل غربی به دنبال اوست و همین را به همه توصیه می‌کنند. پیشرفت وقتی مادی شد، معنایش این است که اخلاق و معنویت را می‌شود در راه چنین پیشرفتی قربانی کرد. یک ملت به پیشرفت دست پیدا کند؛ ولی اخلاق و معنویت در او وجود نداشته باشد. اما از نظر اسلام، پیشرفت این نیست. البته پیشرفت مادی

<http://www.loghatnaameh.org/dekhodaworddetail-2ff4f40f270e46ac95804814979e9660-fa.html>

۷. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۴)،

تحول گفتمانی سیاست خارجی

جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه انتشاراتی روزنامه ایران، تهران.

۸. رضایی، روح‌الله (۱۳۸۰)،

چارچوبی تحلیلی

برای بررسی سیاست خارجی جمهوری

اسلامی ایران، تهران: نشر نی.

۹. رضایی، روح‌الله (۱۳۸۸)،

درک سیاست خارجی

ایران "فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی".

۱۰. زهرانی، مصطفی (۱۳۸۹)،

«مقایسه تحریم‌های

اعمال شده علیه ایران و کره شمالی در شورای

امنیت»، راهبرد، ۱۷۰-۱۳۹.

۱۱. سیمبر، رضا (۱۳۸۹)،

«سیاست خارجی امریکا و

تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران»،

دانش سیاسی، ۱۷۰-۱۴۹.

۱۲. گروه بین‌المللی بحران (۲۰۱۲)،

ایران و

تار عنکبوت تحریم‌ها، بروکسل: گروه

بین‌المللی بحران.

۱۳. نپاوندیان، محمد (۱۳۹۲)،

ارزش پول ملی به

ثلت کاهش یافت، تهران: فرارو.

14. Agency France Press, (2013), *Ashton Hopes*

for Iran 'Flexibility' in Nuclear

Talks. Paris: Agence France-Presse.

15. Aljazeera English (2012, 10 02), *Timeline:*

Sanctions on Iran. Retrieved 05 04, 2013,

from Aljazeera English:

مطلوب است، اما به عنوان وسیله. هدف، رشد و

تعالی انسان است." سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای در

جمع دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد در تاریخ

۱۳۸۶/۲/۲۵، برگرفته از پایگاه حفظ و نشر آثار

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3383>

۲. به عنوان نمونه بنگرید به (دهقانی فیروزآبادی،

۱۳۸۴.

منابع فارسی

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری

(۱۳۹۱)، عصبانیت و سراسیمگی دشمن از

پیشرفت‌های شگرف ملت ایران/ نشانه‌های امید،

فراوان و مشکلات قطعاً قابل حل هستند.

۲. خبر آنلاین (۱۳۹۱)، **آصفری: تحریم‌های**

امریکا علیه ایران به سمت نفست در

برابر غذا می‌رود.

۳. خبرگزاری فارس (۱۳۹۱)، **تولید خودرو ۴۵**

درصد کاهش یافت.

۴. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

(۱۳۹۱)، **بیانات در شانزدهمین اجلاس**

سران جنبش عدم تعهد. تهران: دفتر حفظ

و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای.

۵. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

(۱۳۹۲، ۱۲۰۲). **بیانات در حرم مطهر**

رضوی. بازیابی در ۱۲۰۲، ۱۳۹۲، از دفتر حفظ

و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22233>

۶. دهخدا، علی‌اکبر، اشکلک. بازیابی در ۰۲۰۲،

۱۳۹۲، **از لغت‌نامه دهخدا**:

منابع لاتین

25. Pollack, K. M. (2009), *Which Path to Persia? Options for a New American Strategy toward Iran*, Washington D.C.: Brookings Institution Press.
26. Trading Economics (2013), *List of Countries by Inflation Rate*, Washington D.C., Trading Economics.
27. U.S. Energy Information Administration. (2013), *Sanctions Reduced Iran's Oil Exports and Revenues in 2012*. Washington D.C., U.S. Energy Information Administration.
28. Waltz, K. (1996), International Politics is not Foreign Policy, *Security Studies*, 54-57.
29. <http://www.aljazeera.com/news/middleeast/2012/10/20121016132757857588.html>
16. Baldwin, D. (1999), The Sanctions Debate and the Logic of Choice. *International Security*, 80-107.
17. Barnett, M., & Duvall, R. (2005), *Power in Global Governance*, Cambridge: Cambridge University Press.
18. Crawford, N. C. (1999), *How Sanctions Work: Lessons from South Africa*, London: MacMillan Press LTD.
19. Druláková, R. (2010), *International Sanctions as a Tool of Global Governance*, Stockholm: Pan-European International Relations Conference,.
20. Ganji, B. (2006), *Politics of Confrontation*, London: Tauris Academic Studies.
21. Hass, R. (2005), Regime Change and its Limits, *Foreign Affairs*, 17-25.
22. Katzman, K. (2013), *Iran Sanctions*, Washington D.C., Congressional Research Service.
23. Macmillan Dictionary (2013, 05 02), *Sanction*, Retrieved 05 02, 2013, from Macmillan Dictionary: <http://www.macmillandictionary.com/dictionary/british/sanction>
24. Mersheimer, J. J. (2001), *The Tragedy of Great Power Politics*, London, W.W.Norton & Company.